■ سال بیست و هشتم ■ شماره ۷۹۶۰ ■ چهارشنبه ■ ۲۹ تیر ۱۴۰۱

ایران

صاحب امتیاز:
خبرگزاری جمهوری اسلامی
سردبیر: کمیل نقی‌پور

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: چاپخانه های همشهری
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۳/۱۱ | اذان مغرب ۲۰/۳۸ | نیمه شب شرعی ۰۰/۲۱ | اذان صبح فردا ۴/۲۲ | طلوع آفتاب فردا ۶/۰۴

سخن روز

پیامبراکرم(ص):
هر که خداوند با شناخت اهل بیت من و ولایت ایشان، بر او منت نهاده باشد، خداوند همه خیر را برای او گرد آورده است.

الأمالی للصدوق: ص ۵۶۱ ح ۷۵۱

آدم ریسک‌پذیری در کار نیستم

اکرم محمدی: هیچ‌وقت آدم پرکاری نبوده‌ام و همیشه برایم این مهم بوده است که در هر کاری حرفی برای گفتن داشته باشم. ما در سیستمی پرورش پیدا کرده‌ایم که به ما می‌گوید همان اول باید متن را خواند و تحلیل کرد و اگر چیز درخوری بود پاسخ مثبت داد. طبیعتاً در حدود ۴۰ سال فعالیت، ممکن است یکی، دو انتخاب اشتباه هم داشته باشم و گاهی شرایط انتخاب طور دیگری بوده و نتیجه به شکل دیگری درآمده است. به همین دلیل اگر امروز به من پیشنهادی شود - البته اینگونه پیشنهادها اغلب در حوزه تصویر می‌شود. که داستانی یک‌خطی دارند و دو قسمت نوشته شده و قرار است ۶۰ قسمت ساخته شود، به محض دریافت چنین پیشنهادی، در همان اولین گفت‌وگو، خداحافظی می‌کنم و حتی حاضر نیستم این ریسک را بپذیرم که شاید نتیجه خیلی خوبی داشته باشد.

بخشی از صحبت‌های بازیگر نمایش «پروین» در گفت‌وگو با ایسنا

که آدمی اگر ناگزیر به عمر جاودانه می‌گردید
ناچار به اختراع مرگ برمی‌خاست.

هرمز علی‌پور

نـــگاره
نیما شاه‌میری

۲۹ تیر روز جهانی شطرنج

هنرمندان در فضای مجازی

دنیای مجازی اهالی فرهنگ و هنر اغلب به معرفی کارهای جدید آنها اختصاص دارد، ازبرگزاری تور کنسرت‌های موسیقی تا برگزاری ورک شاپ‌ها و وبینارهای تخصصی

■ **چهره‌ها**

محمدرضا اصلانی نویسنده، شاعروکارگردان، قراراست کلاس‌های حضوری برای علاقه‌مندان برگزارکند که تاریخ آغازآن پنجشنبه ۶ مرداد ماه خواهد بود و این کلاس‌ها در باب اندیشه زیبایی‌شناسی هنر است که از سوی مؤسسه تصویرگران پویااندیش برگزارمی شود.

آیدا پناهنده کارگردان و تهیه‌کننده فیلم «تی تی» عکسی از خود و الناز شاکردوست بازیگر این فیلم منتشر کرده که در فضای سینما چارسو بوده است.

وحید تاج از کنسرت جدیدش با عنوان «پرواز و آواز» خبر داده که امروز ۲۹ تیرماه در سالن یاس شهرستان آباده برگزار می شود. آهنگساز و سرپرست گروه بهمن فریادرس است.

سالار عقیلی هم در ادامه تورکنسرت‌هایش قرار است ۳۱ تیرماه در فرهنگسرای بزرگ ارشاد شهرکرد و فردا ۳۰ تیرماه در ارگ تاریخی گوگد گلپایگان اجرای برنامه داشته باشد.

کیهان کلهر نوازنده چیره‌دست کمانچه، در همکاری با اردال ارزنجان نوازنده باقلاما اهل ترکیه، قراراست کنسرت‌هایی در لندن، بریستول، بیرمنگام و منچستر برگزار کنند و در ادامه ۲۲ جولای اجرای تک نوازی در نیویورک دارد.

علی قمصری نوازنده تار هم به بخش‌هایی از سکانس سریال «جادوگر» اعتراض داشته که البته این انتقاد به نحوه پرداختن به موسیقی دراین سریال است.

■ **دیگه چه خبر!**

به مناسبت سومین سالگرد تأسیس **سوینا**؛ نسخه ویژه نابینایان «پرده آخر» با صدای مهتاب نصیرپور منتشر می‌شود.خبری که گلاره عباسی در صفحه شخصی‌اش منتشر کرده است. این گروه به مناسبت سومین سال تأسیس خود، نسخه ویژه نابینایان فیلم سینمایی «پرده آخر» ساخته واروژ کریم‌مسیحی را روز پنجشنبه ۳۰ تیر ماه ساعت ۱۹ در چهارچوب برنامه فیلمخانه منتشر می‌کند.

رادیوسوینا

گرامیداشت زنده‌یاد احمد مهدوی دامغانی پنجم مرداد ماه در روزنامه اطلاعات برگزار می‌شود. خبری که اکبر ایرانی در صفحه شخصی‌اش به آن اشاره کرده است. به مناسبت چهلمین روز درگذشت رادمرد ادب فارسی و عربی، تاریخ و فرهنگ اسلامی، مراسم گرامیداشت زنده‌یاد «استاد دکتر احمد مهدوی دامغانی» از سوی مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب، مؤسسه روزنامه اطلاعات و مرکز فرهنگی شهر کتاب برگزار می‌شود. در این مراسم که با حضور شخصیت‌های دانشگاهی و حوزوی در تهران و با مشارکت و همکاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، رادیو فرهنگ و دیگر سازمان‌های علمی و فرهنگی کشور برپا خواهد شد، بیش از ده نفر از استادان، ادیبان و پژوهشگران برجسته ایرانی و غیرایرانی درباره ابعاد گوناگون شخصیت علمی، رفتار و سلوک اخلاقی زنده‌یاد دکتر احمد مهدوی دامغانی سخن خواهند گفت.

■ **در دنیای ادبیات**

مرکز آموزش و مطالعات تخصصی هنر و علوم انسانی (آکادمی بین‌المللی علم) که مدیریت آن را سید مجتبی جعفری برعهده دارد از برگزاری نشست‌های علمی خبر داده با شهریه هر دوره ۲۵۰ هزار تومان. دراین کلاس‌ها از آرشیو دوره‌های ضبط شده استاد میرجلال‌الدین کزازی استفاده خواهد شد که مربوط به شاهنامه شناسی است. دوره‌ها به‌صورت شنیداری و دیداری با پرسش دانش‌پژوهان و پاسخ استاد در پایان هر درس ضبط شده‌اند.

انتشارات مروارید به تجدید چاپ کتاب «عشق ما روی آب راه می‌رود» اشاره داشته است. مجموعه عاشقانه‌های «نزار قبانی»، شاعری که با شعرهای عاشقانه‌اش مشهور است؛ زن و عشق موضوع اصلی شعرهای قبانی‌اند. مترجمان این کتاب مجتبی‌پور محسن و مهرناز زواره است. این کتاب امسال به چاپ نهم رسید.

موزه کودکی ایرانک از برنامه‌های جدید خود خبر داده که ۳۰ و ۳۱ تیرماه برگزار می‌شود و در صفحه شخصی‌اش نوشته به‌دلیل استقبال همراهان موزه، پنجشنبه و جمعه خروس‌زری پیرهن‌پری دوباره میهمان موزه کودکی ایرانک است.

افشین شحنه‌تبار، مدیر و مؤسس «انتشارات شمع و مه» از اثر جدید خود خبر داده که کتابی درباره حرم امام رضا(ع) به زبان فرانسه است اثر پروفسور پاتریک رینگنبرگ که از سوی این انتشارات منتشر شده است.

مکثی بر فاصله‌های بین «آموختن» تا «نوشتن» شعر

سازوکارهای یک هنر خلاقه

یادداشت

بهزاد خواجات
شاعر و استاد دانشگاه

کار شعر یک کار خلاقه است و دانش آکادمیک صرفاً می‌تواند پشتوانه کارهای خلاقه باشد؛ در روند کار محفوظات و توانایی‌های آکادمیک چندان نمی‌تواند به کار هنرمند بیاید و وقتی که هنرمند و شاعر با تخیل خود شعر پدید می‌آورد، در هیچ کجای دانش آکادمیک تعریف نخواهد شد. اگرچه به تازگی کارگاه‌هایی برای شعر و کارهای خلاقه دیگر نظیر داستان و فیلمسازی می‌بینیم، اما اینها نمی‌توانند به هنرمند در سیر خلاقه خودش چیزی بیفزایند. این کارگاه‌ها می‌تواند شاعر را نسبت به چیستی و چگونگی شعرها و آثار هنری پیش از او آگاه کند و به نگاهش عمق ببخشد، منتها تعیین‌کننده و سرنوشت‌ساز نیست و مثل آن می‌ماند که شاعر در خانه خود بنشیند و کتاب بخواند. کما اینکه تعداد شاعرانی که سواد آکادمیک دانشگاهی داشته باشند زیاد نیست و اتفاقاً اکثر شاعران شناخته شده ما کسانی هستند که اساساً تحصیلات بالایی در هیچ زمینه دیگری ندارند. از سوی دیگر باید به این نکته هم اشاره کرد که شکاف بین فضای آکادمیک و جریان‌های پیشرو شعر امروز، سابقه‌ای دیرین دارد.

این سابقه برمی‌گردد به مجادلات نیما یوشیج و دکتر خانلری و این شکاف همیشه از قدیم در شعر امروز ایران وجود داشته است. اصولاً برنامه‌ریزی‌های آکادمیک نوعی برنامه‌ریزی ایستا و گاه فارغ از اتفاقات زنده‌ای هستند که در ادبیات رخ می‌دهد؛ دروسی که برای دانشجویان مشخص شده، اصولاً محافظه‌کارانه است و امروز، دانشجوی دکتری ما هنوز شاعران رده دوم و سوم شعر معاصر را به‌درستی نمی‌شناسد. من گمان می‌کنم باید آموزش در دانشگاه‌های ما معکوس شود. یعنی از شعر معاصر آغاز و به شعر گذشته ختم شود. به اعتقاد من، این راهی است که می‌توان به وسیله آن بین شعر امروز و جریان‌های مختلف ادبی آن، با فضای آکادمیک ادبی مؤانست ایجاد کرد. اصولاً تجربه نشان می‌دهد که فضای آکادمیک با شعر پیشرو امروز همیاری و همکاری نمی‌کند، البته باید گفت این مسأله تنها مختص فضای

آموزشی و ادبی ایران نیست و غالباً هنر پیشرو هنری است که نمی‌تواند در پیکر ادبیات آکادمیک جلوه کند و مجال بروز و ظهور داشته باشد. نکته دیگر اینکه دانش ادبی و تفکر و تصور نسبت به ادبیات، صرفاً در دانشگاه‌ها و... اتفاق نمی‌افتد و تمام کسانی که شعر سروده‌اند و به شاعران موفق روزگار خود مبدل شده‌اند، لزوماً از پیچ دانشگاه‌ها و دانشکده‌های ادبیات نگذشته‌اند.

قضیه ما در اینجا دقیقاً مثل مسأله فوتبال می‌ماند، مثلاً یک مربی خوب، لزوماً نباید بازیکن خوبی نیز در زمان فوتبال بازی کردن باشد. در عین حال یک بازیکن خوب نیز لزوماً لازم نیست درس تربیت بدنی خوانده باشد. اینها کارهای خلاقه‌اند و خلاقیت اساساً ترجیح می‌دهد که خود را گرفتار بایدها و نبایدهای فضای آکادمیک نکند. ضرورت دارد شاعری که می‌خواهد امروز شعر بسراید و حتی شعر مدرن بسراید، سنت‌های ادبی و ادبیات کلاسیک را به‌درستی بشناسد ولی این شناخت لزوماً در دانشگاه حاصل نمی‌شود.

شرحی بر تاریخ زنده

ضدآفتاب مرغوب

بهاءالدین مرشدی
داستان‌نویس

اینکه یک آدمی یک کتاب بنویسد در بیش از چهل سال پیش و بگذارد توی کتابخانه‌اش خاک بخورد و منتشر نکند کاری است غریب که فقط از ابراهیم گلستان بر می‌آید. این‌طور که سال‌ها و سال‌ها کتابت بماند برای خودت و حالا در قرنی دیگر آن را منتشر کنی و اما هنوز تازه باشد این کتاب. این نوشته‌هایی که می‌نویسم در ستایش تازگی است؛ اینکه وقتی کتاب «مختار در روزگار» از ابراهیم گلستان منتشر می‌شود و می‌خوانید انگار همین حالا نوشته شده است. نثری شگفت‌انگیز که انگار داستان می‌خوانی. این کتاب ناداستانی است که این روزها باب شده و برای نوشتنش هم کلاس می‌گذارند اما این گلستان است که در این کتاب می‌گوید من یک نویسنده تراز اول هستم که وقتی می‌خوانیدم جابه‌جا شگفت‌زده می‌شوید.

او درباره امیرمختار کریم‌پور شیرازی نوشته که تخلصش را گذاشته بود شورش و یک نشریه هم به همین نام منتشر می‌کرد و مبارزاتش علیه شاه او را به کشتن داد. کشتنی عجیب، تلخ و سخت. برای منی که اهل فارس هستم نام کریم‌پور شیرازی کافی است تا مرا به سمتش بکشد و اینکه تقریباً همشهری بودن با او هم از او دانستن مرا ترغیب می‌کند. سال‌های سال پیش، محمدرضا آل‌ابراهیم کتابی درباره این شخصیت غریب در نشر چشمه منتشر کرد. «شورش، زندگی و مبارزات کریم پورشیرازی» از میان اسناد به زندگی او می‌پرداخت، اما این کتاب یک‌بار منتشر شد و دیگر تجدید چاپ نشد و ماند تا این روزها که «مختار در روزگار» منبعی دست‌اول از زندگی کریم‌پور است. اینکه می‌گویم دست اول برای اینکه ابراهیم گلستان به‌عنوان شاهدی بر زندگی او دست به نوشتن زده و از لابه‌لای خاطراتی که از او دارد شرحی بر فضای مبارزاتی او نوشته. او هم خودش را نوشته و هم دیگران و هم کریم‌پور را و همه را هم با نثری شگفت‌انگیز روایت کرده که آدم حیرت می‌کند.

همان صفحه اول وقتی از قیافه و قامت کریم‌پور حرف می‌زند انگار دارد او را با نثر نقاشی می‌کند. همین بخش را هم در پشت جلد کتاب آورده‌اند که شما را به خواندن ترغیب کند.

انگار داستانی واقعی می‌خوانید با چاشنی تفکرات ابراهیم گلستان که می‌دانید آدم غریبی است. آدمی است که با هیچ‌کس تعارف ندارد و گفت‌وگوهایش در این سال‌ها را خوانده‌ایم و از این‌همه رک گویی شگفت‌زده شده‌ایم، اما او ابراهیم گلستان است با یک پیشینه فیلمسازی و داستان‌نویسی که او را در میان دیگران از نسل و شغل خودش متمایز می‌کند. یک تاریخ زنده از بخشی از هنر ایران که وقتی به یک شخص هم ورود می‌کند او را دقیق با همه پیچ و خم‌ها روایت می‌کند. او تاریخ زنده نسل خودش است. نسلی که آدم عجیب و غریب و مهم کم ندارد و او هم با خیلی از آنها حشر و نشر داشته و به لحاظ جایگاهی که داشته خوب آنها را می‌شناسد. برای همین است که کتاب «مختار در روزگار» کتابی ویژه است؛ کتابی است که خواندنش هم لذت داستانی دارد و هم لذت تاریخی و هم لذت هنری که شما را با خودش همراه می‌کند و دل‌تان نمی‌آید این نثر شگفت و این روایت‌های ظریف بزودی تمام شوند. این است که در میانه چاپ کتاب‌ها در ۳۰۰ نسخه این کتاب در ۲۵۰۰ نسخه در انتشارات بازتاب‌نگار منتشر شده و گزینه عجیب و جذابی است برای خواندن.

حتی اگر کمترین رمقی مانده، باید حرکت کرد

پیشنهاد

مازیار جلوه
روانشناس و مربی مهارت‌های زندگی

«بازی تقلید»، فیلمی است به کارگردانی مورتن تیلدام که در سال ۲۰۱۴ بیوگرافی آلن تورینگ، مبدع رمزگشایی رموز انیگما و کامپیوتر را براساس کتاب «آلن تورینگ» نوشته «آندرو هاجس» به تصویر کشیده است. این فیلم از منظر مهارت‌های زندگی، فیلمی قابل تأمل و ارزشمند است.

نخستین پیام فیلم این است که هر چقدر هم که قوی باشیم، باز هم به حمایت اجتماعی نیاز داریم؛ از این رو ضرورت دارد که مهارت‌های ارتباطی را جدی بگیریم و بدانیم که در شرایط و موقعیت‌های دشوار زندگی برای رسیدن به موفقیت، حضور دیگران در کنار ما نقش مهمی خواهد داشت.

دیگر اینکه، در فیلم «بازی تقلید» به گونه‌ای نرم و ضمنی تبیین می‌شود که تعیین‌کننده‌ترین گام‌ها، سخت‌ترین آنها است. پس می‌شود با افزایش مسئولیت‌پذیری و شناخت موانع تغییر، دریابیم که حتی اگر کوچک‌ترین رمقی برای رسیدن وجود دارد، باید حرکت کرد.

نکته دیگر این فیلم آن است که تخلیه خشم، پرخاشگری و خشونت، بیشترین لذت و رضایت را برای برخی از افراد خشن ایجاد می‌کند؛ اما راه متوقف کردن آنها، این نیست که با آنها درگیر شویم؛ چون در این صورت آنها راضی‌تر خواهند شد؛ اما اگر تکنیک‌های مدیریت خشم را بیاموزیم، موفق می‌شویم با واکنش‌های متفاوت از میزان رضایت آنها بکاهیم.

فیلم از نگاه دیگری هم جذابیت دارد؛ اینکه به ما نشان می‌دهد هیچ کاری از هیچ کس بعید نیست و گاهی کسانی که کسی فکرش را هم نمی‌کند، دست به کارهایی می‌زنند که تصورش هم دشوار است. همچنین بر آن است که بیاموزد، همه ما باید مهارت خودآگاهی‌مان را افزایش دهیم؛ یعنی نقاط قوت خود را شناسایی کنیم؛ پر و بالش بدهیم و پرواز کنیم.

بخش تراژیک فیلم بازی تقلید، خودکشی تورینگ است. پس از مرگ وی، که نقش آن را «بندیکت کامبریج» ایفا کرد، دانشمندان ماشین‌های تحقیق را ماشین‌های تورینگ نامیدند و ما امروز آنها را با نام کامپیوتر می‌شناسیم. این فیلم، برنده جایزه انتخاب مردم در سی و نهمین دوره جشنواره فیلم تورنتو شد. تورینگ، به پدر علم محاسبه نوین و هوش مصنوعی معروف است.

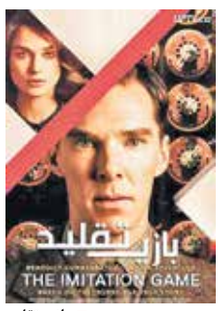

■ **بازی تقلید**
■ **کارگردان: مورتن تیلدام**

نیک می‌دانیم که عقل سالم در بدن سالم است. آلن تورینگ، در زندگی واقعی‌اش، دونده دوی استقامت بود و در سال ۱۹۴۶ در دوی ماراتن، مسافت ۴۲ کیلومتری را در زمان ۲ ساعت و ۴۰ دقیقه دویده بود.

تحقق توقع

یک فنجان چای

رامتین ایمانی نوبر
روانشناس

سورن کی یرکگور فیلسوف نامدار دانمارکی در اثر «ترس و لرز» نوشت: «هرکس به قدر توقع خویش بزرگی یافت.» انسان آمیزه‌ای از افکارش است، از امیال و آمالش، محاسن و معایبش، قریحه و توانایی‌هایش و البته، اعمالش. به تعبیری دیگر، نقطه شروع مسیر پرفراز و فرود انسان، اندیشه و نقطه پایانش عملش است. در واقع آنچه که می‌تواند به ساحت روان و شخصیت انسان غنا دهد چگونگی پیمودن این مسیر بین این دو نقطه است، پیمایشی که از مقصد هم مهم‌تر است و می‌تواند آبشخور شکست‌ها، رنج‌ها و حتی ناامیدی‌ها گردد، اما به منزله زوال و تباهی نیست، بلکه افق است، داشتن چشم‌های جدید و رهایی از بند ناآگاهی و سرانجام پیروزی است. بنابراین گذراندن این چگونگی‌ها توقع انسان و تحقق این توقع را شکل می‌دهد، اینکه او چه از زندگی می‌خواهد و چگونه برای به‌دست آوردن خواسته‌هایش تلاش می‌کند. تلاشی به تناسب آنچه که می‌اندیشد و آنچه که می‌خواهد داشته باشد. به همین دلیل گوته شاعر و نویسنده آلمانی، اعتقاد داشت که انسان، عمل خویشتن است تا در ابتدای اثر جهانی «فاوست» بنویسد« از ازل عمل بود.» با این حال پیش‌تر و بیشتر از هر چیزی برای تحقق توقع، ابتدا باید فاصله بین مرز خود واقعی و خود آرمانی را کاهش داد. خود واقعی همان مجموعه‌ای از ویژگی‌هایی است که خود کنونی را تشکیل می‌دهد. مجموعه‌ای که تلفیقی از خیر و شر است و می‌تواند شامل اضطراب‌ها و تعارض‌هایی که ریشه در عوامل روانی و البته زیستی دارد و متأثر از شرایط اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی هر فرد در جامعه‌اش نیز است، باشد. از طرفی، خود آرمانی آن چشم‌اندازی است که فرد تمایل دارد در آینده باشد یا به مفهومی دیگر، بهترینش باشد. از این رو، زمانی که فاصله بین خود واقعی و خود آرمانی بیشتر گردد، توقع انسان و سپس تحقق این توقع، یک پا در هوا خواهد بود. او تقلا می‌زند، سردرگم می‌گردد، پژمرده می‌شود و با وجود اینکه حتی از منظر دیگران ممکن است فرد ممتازی به نظر رسد، اما از خویش رضایتی ندارد. اینجاست که خود واقعی در مسیری دیگر و خودآرمانی در ورای آن مسیر می‌رود. انگار، خود آرمانی نامتناهی به مثابه سرابی شده و خود واقعی که یارای دستیابی به آن را ندارد در بیغوله‌ای سرافکنده افتاده است. بنابراین ابتدا تا جایی که مقدور است باید فاصله بین خود واقعی و خود آرمانی را کاست. با شناخت خود، با در نظر گرفتن همه عواملی که گفته شد و سپس خیز برداشتن برای شکل‌گیری خود آرمانی که با توجه به توانایی‌های خود کنونی میسر است. یعنی توقع انسان باید براساس آنچه که اکنون می‌تواند باشد، شکل بگیرد و این یعنی موهبت «واقع بینی». بنابراین انسان در هر وادی که قدم می‌گذارد، باید بتواند بهترین خودش را با قرابت بیشتر فاصله خود کنونی و خود آرمانی که ماحصل رنج فراوان و گذر زمان‌ها نیز هست، نشان دهد، درنتیجه رضایت خاطر بیشتری از آنچه که هست و آنچه که انجام می‌دهد خواهد داشت. با این حال گاهی اوقات چرخ روزگار با بی‌مهری‌هایش حتی فرصت تلاش کردن برای تحقق توقع را نیز نمی‌دهد، توقعی که وی برایش مرارت‌ها کشیده تا سرانجام از ثمره‌اش بهره ببرد، در این صورت استقامت تنها بارقه امید برای عبور از این بی‌مهری‌هاست؛ با این تفاصیل همان‌طور که کی یرکیگور اعتقاد داشت، این پیمودن مسیر است که می‌تواند پیکره روح انسان را تراش دهد، بویژه آنی که در جهت موقر کردن سیرت وی باشد. مسیری در شأن تلاش، در مرتبه استقامت، با شکست‌ها، با بیراهه رفتن‌ها، با سرخوردگی‌ها، با گذشت زمان‌ها، برای بهتر شدن، برای بزرگ‌تر شدن، برای زیستن، تا ابد، تا بیکرانه‌ها؛ تا سرانجام نشستن بر زیر اخگرهای خورشیدی که سایه امید، از درخت حیات، بر پیکره او آرمیده، تا میوه توقعی را که در طول سالیان، سودای تحققش را داشته بچیند.

عکس نوشت

امیرتدین هنرمند نقاشی خط کشورمان طی ۲۴ ساعت به صورت زنده کتیبه‌نگاری غدیر را به پایان رساند. این اثر به سفارش آستان مقدس علوی در ضلع جنوبی باب قبله حرم علوی قرار دارد./ ایسنا